

گزارشی درباره نبود روشنایی و علایم راهنمایی در مسیر تردد ۱۴ روستای گناباد

سه راہی مرگبار



روستاهای بخش کاخک که در سه راهی رضویه واقع شده اند، دارای آب و هوای بسیار مطلوب و مسئولان به زیر ساخت های اساسی همچون راه مواصلاتی توجهی ویژه داشته باشند.

● درخواست‌ها و نامه‌های فراوانی در خصوص

رفع مشکل سرراهی رضویه بر سال شده است

بخشدار خاکخ ضمن تأیید مشکل سرراهی رضویه گفت: درخواست‌های مکرر و نامه‌های فراوانی در خصوص رفع مشکل سرراهی رضویه به بخشداری از طرف مردم ارسال شده است. حسین مرادی افزود: ساکنان بیش از ۱۴ روستا که جمعیتی حدود ۹ هزار نفر را تشکیل می‌دهند، از این سرراهی عبور می‌کنند که در ایام خاص و اعیاد، با توجه به وجود روستاهای ییلاقی و کم‌تردنگری، تردد بیشتر صورت می‌گیرد. وی افزود: گلابه مردم روستای رضویه بخش خاکخ مبنی بر نامناسب بودن سرراهی رامی پذیریم، اما برای ایجاد این طرح اقداماتی زیادی را انجام داده‌ایم و نیازمند تأمین اعتبار هستیم. وی گفت: در یک ماه گذشته جلسه شورای ترافیک در بخشداری خاکخ با حضور اعضا تشکیل شده و خواسته بخشداری بوده تا هر چه سریع‌تر در خصوص رفع مشکل اقداماتی انجام شود. وی گفت: دهمیاری قول داد تا با مشارکت خیران و مردم مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال برای تعریض و اصلاح مسازی طرح ارائه شده توسط راهداری شهرستان تأمین شود. مرادی افزود: یکی از مهم‌ترین پیشنهادهایی که می‌توانند در این زمینه کارساز باشد و تا حدودی خطرات مربوط به این محور را کاهش دهد، ایجاد یک میدان در محل تقاطع روستای نئوشو است که می‌تواند در کاهش حوادث ناگوار، نقش مهمی داشته باشد.

● یکی از نقاط حادثه خیز روستایی بخش

فرمانده پلیس راه شهرستان گناباد گفت: یکی از نقاط حادثه خیز روستایی بخش کاخک سهراهی رضویه است که در سال های گذشته حوادث ناگواری در آن رخ داده است. سرگرد مجتبی زنگویی بدون اشاره به تعداد مصدومان و فوتی

روستاهاى بخش کاخک که در سه راهى رضویه واقع شده اند، داراى آب و هواى بسیار مطلوب و چشم اندازهاى طبیعى بى بدیل و مستعد جذب گردشگر هستند اما متأسفانه به دلیل نبود زیرساخت هاى لازم به ویژه راه مناسب از این ظرفیت هاى مهم برای ایجاد اشتغال و پویایى اقتصادى کمترین بهره بردارى صورت مى گیرد.

تصادفات بسیار زیادی در این سه راهی روی می دهد

دهیار روستای رضویه در این باره گفت: متأسفانه تصادفات بسیار زیادی در این سهراهی روی می‌دهد که لازم است برای سامان‌دهی آن اقدامات لازم و جدی انجام شود. محمدالیا افروز: جدای تصادفات که سالانه بیش از ۱۰ نفر کشته و صدموم می‌شوند بیشترین تصادفات رخمی دهد، اما برای حل مشکل اقدامی انجام نمی‌گیرد. وی گفت: سهراهی رضویه یک سهراهی بسیار خطرناک است که مسافران و افراد اداری و غیره به دلیل ناآشنایی با این مسیر دچار شکلی می‌شوند و حوادث ناگوار ی رقم می‌خورد. وی افزود: پیگیری زیادی در خصوص اصلاح یا طرح ساخت میدان انجام شده اما تاکنون عملی نشده است. وی او متأسفانه طرح‌هایی از طریق ادارات و شهرداری مطرح می‌شود که نیازمند اعتباراتی بیش از ۲۰ میلیارد ریال است و تاکنون فقط روی کاغذ است. لالوی افزود: در جلسه‌ای که با حضور دهیاری‌های روستاها در بخشدار ی برگزار تشکیل شده، طرح ساخت میدان با کمک خیران توسط دهیاری‌ها ارائه شده است اما به گذشت یک ماه هنوز اداره راهداری طرح ارائه ن داده است. دهیار روستای رضویه افزود: متأسفانه این سهراهی در شب دید کافی ندارد و به دلیل خرابی چراغ چشمک‌زن از مدت‌های پیش این چراغ از رده خارج شده است و هر از گاهی خبر وقوع حوادث ناگوار در این سهراهی به گوش می‌رسد. وی خواستار تسریع در رسیدگی به این مسئله شد و افزود: اختصاص اعتبارات برای سامان‌دهی این مسیر یا چنین مسیرهایی نوعی پیشگیری است که در کاهش خسارت‌های جانی و مالی مردم تاثیر به‌سزایی خواهد داشت. لالوی گفت: روستای رضویه از ظرفیتهای بی‌بدلی در دامداری و کشاورزی در خور اد است، از این رو، متطلبان

[illegible][illegible]

نه در آنجس حسرت های جهانی و مانی هر دم
تاثیر به بسزایی خواهد داشت. لالوی گفت: روستای
ضویه از ظرفیت های بی بدیلی در دامداری و
کشاورزی برخوردار است، از این رو می طلبد

مفقودی مدارک

نیازمندی ها

ط کاربری راحت

ز به کد نمی باشد

۰۹۹۰-۸۷۹۲۵

گزارش

سفری

از شهر گناباد که خارج می‌شویم و به سمت روستاهای رضویه، ریاب و سنو حرکت می‌کنیم، پس از طی مسافت ۱۴ کیلومتر به سهرای رضویه می‌رسیم؛ سهرای ریاب و سنو خطرناک ۹۰ درجه که سمت راست آن به سوی روستاهای سنو، گوهر دشت، سرآسیاب، کلاته سید علی و ... می‌رود سمت چپ به سوی روستاهای رضویه، زید، کلاته شهاب، درصوفه، روچی و سقی و ... می‌رسد. این سهرای گوهر دشت و سنو چراغ اشک‌نزن و علایم هشدار دهنده و بلوکه‌های حایل است، به‌ویژه در شب برای رانندگانی که آشنایان با مسیر نیستند، بسیار خطرناک و خطرآفرین است؛ چرا که اگر راننده‌ای به دلیل روشنائی کم، مسیر را مستقیم طی کند به داخل گودی که در امتداد جاده وجود دارد، سقوط می‌کند و به گفته مسئولان محلی این سهرای خطرناک در سال حدود ۱۰ مصدوم و کشته به جامی گذارد.

● گلايه مردم از بي توجهي به سه راهي مرگبار

به گزارش خراسان رضوی، سرراهی روستا
رضویه از بخش کاخک شهرستان گناباد وضعیت
بسیار نامناسبی دارد و دارای معایب فراوانی
است؛ چرا که شب‌ها به دلیل نورآلودگی و
ساخته‌آفرین است و روزها به دلیل خط کشی
نادرست برای رانندگان و مسافرائی که در این
محور تردد می‌کنند، خطرانی به دنبال دارد و
مسافران در این سوانح افراد زیادی مجروح شده
و یا جان خود را از دست داده‌اند. در منطقه
کاخک برای انجام کارهای اداری، درمانی، شغل،
سفرهای ضروری و... در این مسیر تردد زیادی
دارند؛ از سرراهی رضویه، ساکنان بیش از ۱۴
روستا که جمعیتی بیش از ۹ هزار نفر را تشکیل
می‌دهند عبور می‌کنند به دلیل نواقصی که دارد،
به سرراهی سرگردان معروف شده است.

علی سیدی یکی از روستاییان بخش خاکدر این باره گفت: یکی از مسیرهایی که باخطر مواجه است و خسارت های جانی و مالی به دنبال داشته، سه راهی رضویه از توابع بخش خاکدر است. وی گفت: زمین های کشاورزی سرسبز و روستاهای ایلامی و مراکز ترافیکی شهرستان باعث شده است در روزهای تعطیل عبور و مرور در سه راهی رضویه باترافیک شدید مواجه شود.

یکی دیگر از روستاییان رضویه گفت: مسئولان روستا در چندسال اخیر از طریق بخشداری، فرمانداری، پلیس راهور، شورای ترافیک و اداره راه و ترابری این مشکل را پیگیری می‌کردند اما همه این پیگیری‌هایی نتیجه‌مانده است. مهدی الوفقاری افزود: متأسفانه مسئولان در شعار هایشان از حمایت روستاییان و روستاها سخن می‌گویند، اما به روستایی که از ضروری‌ترین نیازهای روستاست و راه‌رو جدی ندارد. وی گفت: متأسفانه به دلیل همین بی‌توجهی به زیرساخت‌های روستاها، جوانان روستایی مجبورند روستا را ترک کنند و به شهرها به شغل‌های کاذب روی بیاورند که این مسئله ضمن ایجاد مشکلات برای شهر، باعث تخلیه روستاها و کاهش تولید می‌شود. علیرضا سبحان، روستاییان بخش کاخک گفت:



روایتی از زندگی یک خانواده چادر نشین در حاشیه مشهد

خانه به دوش

را دارد و گلايه می کند او که روزی در راه دفاع از کشور جنگیده اما اکنون بی پناه و آواره شده است و نیازمند توجه و حمایت است.

● اجاره عقب افتاده و اناثیه‌ای که در کوچه ریخته شد

● اجاره عقب افتاده و اثاثیه ای که در کوچه

ریخته‌شد

محمد از من می خواهد با او همراه شوم تا خانه قبلی رحمان را ببینم. در راه که همه صحبت می‌شود، می گوید: «آقار حمان قبلاً در همین کوچه پستی خانه کوچکی را با ما می ۲۸۰ هزار تومان اجاره کرده بود. اما صاحبخانه به دلیل اجاره عقب افتاده، چند روز پیش نه تنها ۳ میلیون تومان پول را برنمی‌آورد، بلکه تمام لوازم را بیرون ریخت. از همین موقع یکی دیگر از همسایه‌ها دلش سوخت و بار کینتگ خانه اش را در اختیار او گذاشت تا لوازمش را آن جا بگذارد.» محمد در ادامه صحبت هایش ماجرای تلخی را این گونه تعریف می کند: «آقار حمان چون نابیناست و همسرش هم مشکل دارد، نمی‌توانند به خانه و زندگی شان رسیدگی کنند. یک بار که برای آقار حمان به خانه اش می‌رفتم، بودم، موقع رفتن اصرار کرد که ناهار مهمان او باشم. بعد دیدم یک تکه مرغ را که از شدت فساد رنگش سیاه شده بود، می‌خواهد بخورد که من مانع شدم. بارها سر زده به خانه این پیر مرد می‌رفتم و او را در حال خوردن نان کبک زده می‌دیدم.» محمد با حالت تاسف می گوید: «کاش می‌توانستم برای این پیر مرد کاری بکنم. فرزند دلسوزی هم ندارد که به فکر او باشد.»

در حالی که با محمد صحبت می‌کنم، همسایه‌ها هم به جمع ما اضافه می‌شوند. همه آن‌ها به وسعت نامساعد زندگی پیر مرد گواهی می‌دهند و آرزو می‌کنند که خانم‌های بی‌بخت که زندگی او را سامان بگیرد، یکی از خانم‌های همسایه‌ها را میان جمع با صدای بلند می‌گوید: «همه ما در خانه‌های ۴۰ متری در حاشیه شهر مستاجر هستیم. هیچ کدام شرایط خوبی نداریم و گر نه حتماً به همین کمک می‌کردیم». ما آن برای پیر مرد بیچاره می‌سوزد. شمارا به خدا قسم می‌دهم که: «راپیدا کنید که به این بیچاره کمک کند تا فردا دنیا

● ماجرای یک زندگی تلخ

سر صحبت را با پییر مذبذبی من کتم و از اومی خواهم
ماجرای زندگی اش را بر ایمی تعریف کند. با لهجه
شبیروزی زاهدانی اش می گوید: «دایی جان، من
هشت فرزند دارم. فرزند نام دواج کرده و دنبال
زندگی خودشان رفته اند. فقط من و همسر من
مانده ایم. با یک پسر ۱۵ ساله و یک دختر نامی
که از او شهرزاد شده و با نوا هم کنار ما زندگی
می کنند. من نزدیک مرز در بازار چه گمرک کار
می کردم. اوضاع مالی ما خوب نبود و به امید

زندگی بهتر به مشهد آمدیم. به همین امر از رضا (ع) قسم آن قدر مشکلات بر من فشار آورد که روزی دوبار به حرم می رفتم و به گناه مطهرش اشک می ریختم. حدود دو سال پیش از آن که رفتم و نوربکی از چشممان از آن دست دادم. تمام دارو را در آوردم و فروخت. حتی دستر خم طلاهایش را فروخت که چشمم را عمل کنم اما چند روز بعد دزدانم از زندگی ام اربد. بعدها چشم دیگر هم عفونت کرد و کلانایبشدم. از وقتی بینایی ام را دست دادم، حتی یک بار هم نتوانستم به حرم بروم. تا دلم آرام بگیرد. بعضی گلوش را می گیرد. بعد از آن که سکوت می گوید: همسر هم یک سال پیش تصادف کرد. راننده هم در ایام بیمارستان او را با ابراهام الحاش کنار درختی راه می کند و می رود. بعد از آن اتفاق همسرم دچار مشکلات روحی شدیدی شد طوری که نمی تواند حتی به نظافت قبلا خودش رسیدگی کند و به وزغامی خورد. فرقی که همسر سالم بود، دستم را می گرفت اما حالا خودش از او روز خوبی ندارد من با همین اوضاعم باید از او روز بستاری کنم. با حرف های رحمان نگاهم به سمت همسرش می رود. زنی که با سراسر وضعی زوئید و پاهای برهنه و خاکی اش آن طرف تر ایستاده و هیچ صدایی از او در نمی آید. اما چه دردها داشته اش حکایت از غصه های ناگفته او دارد. پیرمرد ششکهایش سراسر می شود و می گوید است که سابقه زندگی در دوران دفاع مقدس